



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران



فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

Volume 1, Issue 1, 2021

Implementation of the Principles Governing Restorative Procedures on the Proceedings of Ta'zirat Tribunals

Mohammad Bagher Rezvanifar¹, Kumars Kalantari^{*2}

1. Ph.D. Student in Criminal Law and Criminology, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran.

2. Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, University of Mazandaran, Babolsar, Iran. (Corresponding Author)

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 123-133

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0002-9624-1559

TELL: +989111123338

Email: kalantar@nit.ac.ir

Article history:

Received: 27 Dec 2020

Revised: 30 Jan 2021

Accepted: 05 Feb 2021

Published online: 21 Mar 2021

Keywords:

*Ta'zirat Tribunals,
Restorative Justice,
Offender.*

ABSTRACT

Ta'zirat Tribunal is a quasi-judicial institution. The characteristic feature of the proceedings of Ta'zirat is speed, accuracy and consideration to the laws and regulations which requires the existence of special rules of the investigation in this authority. Since the emergence of restorative justice is the result of one of the changes in the attitude toward criminal justice, the aim of this study is to explain the principles of restorative justice in Ta'zirat Tribunals. The research method is analytically descriptive. Accordingly, what is obtained from the study of restorative justice principles in the branches of Ta'zirat Tribunals indicates that observance of these principles in the law and regulations of the organization has been implemented incompletely in some cases and in some cases has been fully addressed.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2021 The Authors.

How to Cite This Article: Rezvanifar, MB & Kalantari, K (2021). Implementation of the Principles Governing Restorative Procedures on the Proceedings of Ta'zirat Tribunals". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 1(1): 123-133.



انجمن علمی فقه‌های تطبیقی ایران

فصلنامه فقه‌های تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌های تطبیقی

دوره اول، شماره اول، بهار ۱۴۰۰

تطبيق اصول حاکم بر دادرسی ترمیمی بر رسیدگی‌های مراجع تعزیرات حکومتی

محمد باقر رضوانی فر^۱، کیومرث کلانتری^{۲*}

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.

۲. استاد، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. (نویسنده مسؤول)

چکیده

سازمان تعزیرات حکومتی، نهادی شبه قضایی است. خصیصه بارز رسیدگی‌های تعزیرات، سرعت، دقت و توجه به قوانین و مقررات است که این امر مستلزم وجود مقررات خاص رسیدگی در این مرجع است. از آنجا که ظهور عدالت ترمیمی نتیجه یکی از تحولات به وجود آمده در نگرش به عدالت کیفری است، لذا هدف از این پژوهش تبیین اصول عدالت ترمیمی در مراجع تعزیرات حکومتی است. روش تحقیق به صورت تحلیلی توصیفی است. بر این اساس، آنچه که از بررسی اصول عدالت ترمیمی در شعب تعزیرات حکومتی به دست می‌آید بیانگر این است که رعایت این اصول در قانون و آئین‌نامه سازمان در برخی موارد به صورت ناقص اجرا شده و در برخی موارد به صورت کامل بدان پرداخته شده است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۲۳-۱۳۳

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۱۵۵۹-۹۶۲۴-۰۲-۰۰۰۰-۰۰۰۰

تلفن: +۹۸۹۱۱۱۱۲۳۳۳۸

ایمیل: kalantar@nit.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۰۷

تاریخ ویرایش: ۱۳۹۹/۱۱/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۱/۰۱

واژگان کلیدی:

دادگاه‌های تعزیرات، عدالت ترمیمی،

بزه‌کار.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

با توجه به اینکه سازمان تعزیرات حکومتی سازمانی است که در دایره قوه مجریه تشکیل می‌شود و شعب این سازمان، همانند محاکم قضایی در قوه قضائیه به رسیدگی قضایی می‌پردازند و در پایان نیز حکم قضایی صادر می‌کنند و این احکام متضمن مجازات حبس و زندان است و از آنجا که ظهور عدالت ترمیمی نتیجه یکی از تحولات به وجود آمده در نگرش به عدالت کیفری و تفکر ناظر به جرم در دو دهه گذشته می‌باشد. لذا هدف از پژوهش تبیین اصول عدالت ترمیمی در مراجع تعزیرات حکومتی است.

۱- صلاحیت دادگاه‌های تعزیرات حکومتی

سازمان تعزیرات حکومتی به‌عنوان یک مرجع اختصاصی رسیدگی به تخلفات اقتصادی دولتی و خصوصی و برابر قانون تعزیرات حکومتی و براساس ماده واحده مورخ ۱۳۶۷/۱۲/۲۳ مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام، صلاحیت رسیدگی به تخلفات مربوطه را دارا می‌باشد. همچنین با تصویب قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان که صلاحیت رسیدگی به تخلفات صنفی را که تا سال ۱۳۸۲ در صلاحیت شعب سازمان تعزیرات حکومتی بوده و به موجب قانون نظام صنفی هیأت‌های موضوع ماده ۷۲ قانون فوق‌الذکر واگذار گردیده بود، مجدداً به صلاحیت سازمان اعاده گردید و علاوه بر آن رسیدگی به تخلفات موضوع قانون حمایت از مصرف‌کنندگان نیز به صلاحیت شعب تعزیرات حکومتی اضافه گردید (محمدیاری، ۱۳۹۷: ۲۱۰).

همچنین در قانون اصلاح قانون نظام صنفی نیز رؤسای شعب تعزیرات به‌عنوان عضو اصلی هیأت‌های رسیدگی به تخلفات صنفی حضور دارند.

آیین‌نامه سازمان تعزیرات حکومتی مصوب هیأت وزیران، قسمتی از ضوابط مربوط به رسیدگی را تعیین نموده است و شعب تعزیرات حکومتی عملاً با در نظر گرفتن این امر که هدف تشکیل سازمان تعزیرات حکومتی رسیدگی فوری و به‌موقع به تخلفات مربوطه بوده و به منظور رعایت حقوق متهم و شاکی و جلوگیری از تضییع حقوق آن‌ها و رسیدگی عادلانه و قانونمند به بسیاری از عموماً مقررات قانونی آیین دادرسی مدنی و کیفری که قابلیت اعمال در رسیدگی شعب تعزیرات

سازمان تعزیرات حکومتی نهادی شبه قضایی است که بر اساس مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجلس شورای اسلامی، هیأت‌وزیران و آیین‌نامه‌های وزاری مربوطه، به پرونده‌های مختلف اعم از جرایم قاچاق، تخلفات صنفی و تخلفات بهداشتی و دارویی رسیدگی می‌کند که همانند قوه قضائیه دارای شعب بدوی، تجدیدنظر، تجدیدنظر ویژه رسیدگی به پرونده‌های قاچاق کالا و ارز و تجدیدنظر عالی می‌باشد. خصیصه بارز رسیدگی‌های تعزیرات، سرعت، دقت و توجه به قوانین و مقررات است که این امر مستلزم وجود مقررات خاص رسیدگی در این مرجع است تا از اظهارنظرها و صدور آرای متناقض پیشگیری شده و رسیدگی‌های تعزیراتی تسهیل و روان گردد ولی علی‌رغم گذشت نزدیک به بیست سال از تأسیس این سازمان، آیین رسیدگی مدونی تدوین نشده که این خلأ مشکلاتی را در اجرا ایجاد کرده است برای جبران این نقیصه لازم است علاوه بر تدوین شیوه‌نامه‌های مدون و تصویب آن در مراجع ذیصلاح، مجموعه‌های آموزشی نیز تدوین گردد تا در عمل مورد استفاده رؤسا و اعضای شعب تعزیرات حکومتی باشد (عسگری و یوسف زاده، ۱۳۹۴: ۲).

امروزه کرامت انسانی و رعایت آن مبنای مقررات حقوق بشر محسوب شده و از آن به‌عنوان راهبرد نوین سیاست جنایی نام‌برده می‌شود، راهبردی که حکومت‌ها را متعهد می‌کند که سیاست جنایی خود را در قلمرو قانون‌گذاری، قضایی و اجرایی بر پایه کرامت انسانی جهت‌گیری کنند. ظهور عدالت ترمیمی نتیجه یکی از تحولات به وجود آمده در نگرش به عدالت کیفری و تفکر ناظر به جرم در دو دهه گذشته می‌باشد (دهقانی، ۱۴۰۰: ۳۵۱). عدالت ترمیمی بر آن است که کلیه طرفین درگیر در جرم را در این فرایند مشارکت دهد و با ابزارهایی مانند میانجی‌گری، جرم‌زدایی و قضازدایی کند و تا جایی که امکان دارد متهم را تعقیب نکند. همچنین درصدد فراهم کردن تشفی خاطر بزه‌دیده هستند (حاجی خسروی، ۱۳۹۲: ۲۵).

حکومتی را دارد مراعات و اجرا می‌نماید (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۸۹: ۱۲۵).

۲- اصول کلی حاکم بر اجرا و مدیریت دادرسی ترمیمی

علی‌رغم بیش از دو دهه اجرای برنامه‌های عدالت ترمیمی در بسیاری از کشورهای جهان و تدوین برخی منابع راهنما، سیاست‌گذاران و مجریان عدالت ترمیمی، همواره از فقدان اصول فراگیر و بین‌المللی جهت اعمال برنامه‌های عدالت ترمیمی رنج برده‌اند. در پاسخ به چنین ضرورت و نیازی بوده است که تصویب اصول اجرای برنامه‌های عدالت ترمیمی در سازمان ملل متحد به‌عنوان مهمترین نهاد سیاست‌گذاری بین‌المللی به طور اعم و سیاست‌گذاری کیفری ملی به نحو اخص مدنظر قرار گرفته است. سازمان ملل متحد از دیرباز استانداردها و موازین متعددی را در خصوص کیفیت اجرای عدالت ترمیمی ارائه نموده است.

توجه سازمان ملل متحد به عدالت ترمیمی با تقدیم طرحی از طرف دولت کانادا به دهمین کنفرانس بین‌المللی جرم و عدالت کیفری در سال ۱۹۹۸ آغاز شد و پس از بررسی و ایجاد تغییرات متعدد در آن از طرف گروه‌های مختلف متخصصان و صاحب‌نظران، مقرر گردید مفاد طرح تنظیم شده، نه در قالب «قواعد حداقل استاندارد» بلکه در قالب «اصول اساسی» ارائه گردد. دلیل عمده صاحب‌نظران در این خصوص این بود که نهضت عدالت ترمیمی هنوز آنچنان توسعه نیافته و قواعد خاص اجرای برنامه‌های آن، چنان مورد اجماع جهانی نیست؛ بنابراین تدوین قواعد حداقل استاندارد، اقدامی زود هنگام است و ضروری است مفاد طرح راجع به کیفیت اجرای برنامه‌های عدالت ترمیمی در قالب «اصول اساسی» تدوین گردد. در نهایت اصول اساسی راجع به استفاده از برنامه‌های عدالت ترمیمی در موضوعات کیفری در سال ۲۰۰۲ به‌عنوان سند به تصویب شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد رسیده است (طوفانی، ۱۳۸۸: ۵۱).

با عنایت به سند مذکور و سایر اسناد مرتبط، در این مبحث به بررسی موردی اصول حاکم بر نظام دادرسی ترمیمی در سازمان تعزیرات حکومتی می‌پردازیم.

۲-۱- اصل داوطلبانه یا توافقی بودن

این اصل پیش‌شرط لازم بر اجرای هرکدام از برنامه‌های عدالت ترمیمی محسوب می‌شود و اعمال رویه‌های عدالت ترمیمی در سطح وسیعی مبتنی بر مشارکت اختیاری است و بدون آن، امکان موفقیت دادرسی ترمیمی و حصول نتیجه لازم از بین خواهد رفت (حاجی خسروی، ۱۳۹۲: ۲۸). کارگزاران عدالت ترمیمی بر اساس بررسی‌هایی که انجام داده‌اند به این نتیجه رسیده‌اند که احساس نارضایتی بزه‌دیدگان از رویکرد سزادهی به‌خاطر آن است که آن‌ها در فرایند رسیدگی، تصمیم‌ساز نبوده و مشارکت فعالی نداشته‌اند. بنابراین بزه‌دیده بهترین شخصی است که با ارائه اطلاعات و جزئیات از زوایای رویداد مجرمانه، می‌تواند مقامات تحقیق را به کشف حقیقت و درک صحیح از چگونگی رخدادها یاری کند. بدون مشارکت و همکاری بزه‌دیده در گزارش جرم، اقامه ادله و اقدام به منزله گواه در دادگاه، بیشتر جرم‌ها پنهان باقی مانده و بزه‌کارانشان از چنگال عدالت می‌گریزند. از جمله طرق تسهیل حل‌وفصل دعاوی کیفری و اثرگذار بودن مشارکت، شنیدن و توجه به دیدگاه‌ها و دل‌نگرانی‌های بزه‌دیدگان است. اظهار نظر بزه‌دیده راجع به آثار جرم بر خود و حکم محکومیت، از حقوق بزه‌دیده محسوب می‌شود که این در فرایند عدالت ترمیمی بهتر به معرض نمایش گذاشته می‌شود؛ چراکه یکی از اصول مهم و اساسی ناظر بر اجرای فرایند ترمیمی مشارکت اختیاری و توافقی است و بدون این اصل چنانچه یکی از طرفین درگیر در جرم خواهان مشارکت در فرایند ترمیمی نباشد، عدالت رسمی روند عادی خود را در رسیدگی به جرم ارتكابی طی می‌کند.

در قوانین تعزیرات حکومتی به معنای اخص از اصل «داوطلبانه و توافقی بودن» استفاده نشده است زیرا اعتقاد بر این است که کلیه جرایمی که در صلاحیت ذاتی سازمان تعزیرات حکومتی هستند (حوزه جرایم تعزیری، امور صنفی، قاچاق و بهداشتی)، جرایمی غیر قابل گذشت بوده و حتی اگر طرفین دعوا گذشت نموده (به‌عنوان مثل در جرایمی مثل گران‌فروشی و تقلب و هر یک از جرایم قاچاق کالا) همان‌گونه که در مواد ۵۷ و ۵۸ و ۵۹ قانون صنفی مصوب سال ۱۳۹۲ و همچنین مواد ۲ و ۳ قانون تعزیرات حکومتی

محرمانه باقی بماند و نباید افشا شود؛ به جز در صورت توافق طرفین یا الزامی بودن افشای آن از سوی قانون». چرا که طرفین تنها در صورتی آزادانه به بیان حقیقت می‌پردازند که نگران اشاعه مطالب مطرح شده در جلسه نباشند.

در قوانین سازمان تعزیرات حکومتی خلأ این اصول قابل ملاحظه می‌باشد بدین صورت که در قوانین به صراحت در خصوص علنی بودن و یا غیر علنی بودن رسیدگی صحبت نشده است. در محاکم جمهوری اسلامی اصل بر علنی بودن می‌باشد و در جرایمی مثل سرقت، کلاهبرداری و سایر جرایمی که در قانون اعلام شده است رسیدگی به صورت علنی می‌باشد اما در جرایمی که جنبه امنیتی دارند یا جرایم سیاسی و به طور کلی جرایمی که مخل امنیت می‌باشد طبق تشخیص قاضی می‌تواند غیر علنی باشد فلذا به دلیل آنکه جرایم مطرح شده در سازمان تعزیرات حکومتی از جنبه امنیتی مطرح نمی‌باشند می‌توان بیان داشت که رسیدگی علنی می‌باشد مگر در جرایم مربوط به کارخانه‌ها و شرکت‌ها که مرجع کاشف آن وزارت اطلاعات و اطلاعات سپاه بوده و به نوعی پرونده به سمت جنبه امنیتی سوق پیدا نموده باشد و در آن خصوص طبق دستور مراجع امر جلسه علنی برگزار نگردد همانند جرایم احتکار موضوع ماده ۴ قانون تعزیرات حکومتی، ماده ۵ عرضه خارج از شبکه و جرایمی که به صورت گسترده صورت گرفته طبق دستور مراجع امر جلسه رسیدگی به صورت غیر علنی برگزار می‌گردد.

بر این اساس یکی از مصادیق عدالت ترمیمی ماده ۲، ماده ۱۸ و ۱۹ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان و ماده ۳، ۴ و ۸ قانون حمایت از مصرف‌کنندگان خودرو می‌باشد.

۲-۳- اصل قبول مسؤلیت و اظهار حقیقت

در فرآیند کیفری معمولاً بزهکار برای فرار از مسؤلیت کیفری، جرم ارتكابی را قبول نمی‌کند در حالی که در فرآیند عدالت ترمیمی بزهکار و بزه‌دیده باید صادقانه وقایع اساسی ناشی از جرم را بپذیرند و بزهکار باید مسؤلیت خود را در قبال جرم قبول کند. پذیرش مسؤلیت در قبال جرم از سوی بزهکار رکن اساسی فرآیند عدالت ترمیمی است و نباید به‌عنوان دلیلی علیه بزهکار در هر یک از مراحل بعدی فرآیند

مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام در تاریخ ۱۲/۲۳/۱۳۶۷ در خصوص گرانفروشی، کم‌فروشی و تقلب آماده است، سازمان تعزیرات حکومتی وظیفه دارد نسبت به جنبه عمومی جرم رسیدگی نموده و حکم مقتضی صادر گردد، بنابراین گذشت طرفین دعوا تنها از منظر تخفیف جرم و مجازات با تعلیق اجرای مجازات قابل اعمال است.

۲-۲- اصل غیرعلنی بودن

رسیدگی علنی به اختلافات یکی از اصولی است که رعایت آن در جهت تضمین عادلانه بودن و استقلال روند دادرسی نقشی اساسی دارد. چراکه هم عملکرد دادرسان را در معرض مشاهده و قضاوت عموم قرار می‌دهد و هم ابزاری در جهت حمایت از طرفین در برابر رفتارهای خودسرانه در جریان دادرسی محسوب می‌شود.

کمیته حقوق بشر سازمان ملل در توضیح کلی خود پیرامون علنی بودن دادرسی می‌گوید به طور کلی علنی بودن محاکمه، یک تضمین مهم برای حفظ حقوق متهم و جامعه است. با این حال، همچنانکه در بند ۱ ماده ۱۴ کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی آمده، «دادگاه‌ها می‌توانند به‌منظور حفظ نظم عمومی و امنیت ملی و ملاحظات اخلاقی تمام یا قسمتی از دادرسی را سری اعلام کنند...» غیر از این موارد استثنایی، دادرسی باید علنی بوده و عموم مردم از جمله اعضای مطبوعات باید بتواند در جلسات دادرسی شرکت نمایند. شرکت در دادگاه نباید به گروه خاصی از مردم محدود شود. (اصغری، ۱۳۸۹: ۵۱) محاکمات علنی انجام می‌شود و حضور افراد بلامانع است، مگر آنکه به تشخیص دادگاه علنی بودن آن منافی عفت یا نظم عمومی باشد... (جزایری، ۱۳۹۳: ۱۰۲)

بنابراین، اصل علنی بودن ناظر به فرآیند دادرسی تعزیرات حکومتی است این در حالی است که یکی از مهمترین اصول حاکم بر فرآیندهای ترمیمی، اصل غیرعلنی یا محرمانه بودن این فرآیند است. این اصل در توصیه‌نامه شورای اروپا ذکر گردیده و در ماده ۱۴ اصول اساسی استفاده از فرآیندهای ترمیمی در موضوعات کیفری مقرر شده است: «گفت‌وگو در فرآیندهای ترمیمی که در حضور عموم اجرا نمی‌شود، باید

شهادت شهود و گواهی گواهان و کارشناسی استفاده نماید. در واقع قبول مسؤلیت و اظهار حقیقت از موجبات تخفیف جرم بوده که در مواد ۳۷ و ۳۸ قانون مجازات اسلامی و ماده ۳۸ قانون تعزیرات حکومتی پیش‌بینی شده است. این اصل در مرحله اول ممکن است با انکار متهم مواجه شده ولی همانگونه که در سطور پیشین بیان گردید قاضی می‌تواند با ادله اثبات جرم و کارشناسی که در پرونده‌ها به استناد ماده ۱۸ آیین‌نامه، قاضی مکلف است که از سازمان صنعت، معدن و تجارت یا مراجع دیگر بنا بر صلاحدید، در تخلفات بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی، مرکز علوم بهداشت و یا در تخلفات دامپزشکی از جهاد کشاورزی استعلام نماید و براساس نظریه کارشناسی حکم جبران خسارت و جزای نقدی صادر می‌گردد. اما اقرار بزهرکار کمک شایانی به فرایند جبران خسارت و عدالت ترمیمی بوده که اگر اصل قبول مسؤلیت و اظهار حقیقت نباشد این امر سبب اطاله دادرسی و یا تأخیر در فرایند تعزیر و جبران خسارت گردیده که این فرایند با چالش و تأخیر مواجه می‌گردد.

۲-۴- اصل رودررویی (مواجهه بزه‌دیده و بزهرکار)

در دادرسی ترمیمی، اصل بر رویارویی و مواجهه حضوری بزهرکار و بزه‌دیده است. در حالی که در فرایند رسیدگی کیفری، قاضی، هیأت منصفه، مقامات دولتی، شهود و متهم، نقش فعالی دارند و مهم‌ترین هدف در این فرایند اصلاح مجرم و اعاده نظم عمومی مختل شده است (حاجی خسروی، ۱۳۹۲: ۳۵).

ملاقات‌های بزه‌دیده- بزهرکار به‌منظور اعطای فرصتی به بزهرکار جهت مشارکت فعال در ترمیم خسارات وارده است. ترمیم از طریق ملاقات بزه‌دیده و بزهرکار شامل عذرخواهی بزهرکار از بزه‌دیده و بیان چگونگی ارتکاب جرم از سوی وی است. همچنین بزهرکار باید به صحبت‌های بزه‌دیده گوش داده و در مقابل وی پاسخگو باشد. چنین گفتگویی می‌تواند موجبات درمان دردهای بزه‌دیده و تشریف خاطر وی را فراهم کند و معمولاً تأثیر مشهودی را بر روی بزهرکار دارد؛ زیرا بزهرکار با واقعیت عواقب و پیامدهایی که جرم ارتکابی وی به‌دنبال داشته، مواجه می‌گردد. به این ترتیب بزهرکار می‌تواند

حقوقی اعمال شود. سؤال قابل طرح در این بحث این است که در صورتی که بزهرکار با قبول این که مرتکب جرم شده و مقصر است و وارد فرآیند عدالت ترمیمی شود، آیا می‌توان این قبول مسؤلیت را در صورتی که فرآیند ترمیمی به سرانجام نرسد به‌عنوان دلیل مجرمیت در مراحل بعدی معیار قرار داد؟ در پاسخ می‌توان گفت به نظر می‌رسد قبول مسؤلیت از طرف بزهرکار در عدالت ترمیمی ملازمه‌ای با مجرمیت وی در عدالت کیفری رسمی نداشته باشد و همچنان اصل برائت در مورد وی قابل اجرا خواهد بود. اصل برائت از بنیادی‌ترین اصول کلی دادرسی عادلانه و منصفانه در نظام‌های نوین دادرسی کیفری محسوب می‌شود. این اصل از حقوق شهروندان در برابر قدرت طلبی‌های نهادهای عمومی حمایت می‌کند و بیش از اثبات تقصیر فرد در دادگاه صالح و به موجب قانون، هر نوع اظهارنظر درباره مسؤلیت و مجرمیت وی نقض پیش‌فرض مورد بحث تلقی می‌شود. کمیته حقوق بشر سازمان ملل در تفسیر خود پیرامون ماده ۱۴ کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی، بر این نکته تأکید نموده است که اصل برائت، مقامات عمومی و حکومتی را مکلف می‌سازد که از پیش داوری در مورد نتایج محاکمه اجتناب نمایند. همچنین کمیسیون اروپایی حقوق بشر نیز در این زمینه مقرر می‌دارد: «فرض برائت، متضمن یک حق اساسی و بنیادین است. این حق از افراد در مقابل رفتارهای مقامات عمومی با آنان به‌عنوان یک مجرم، قبل از این که این امر در دادگاه صلح اثبات گردد، حمایت می‌کند» (اصغری، ۱۳۹۸: ۵۸).

با عنایت به این موارد بزه‌دیده و بزهرکار معمولاً باید برپایه واقعیت‌های یک پرونده در یک فرآیند ترمیمی توافق کنند و مشارکت بزهرکار را نباید به منزله دلیل بر پذیرش تقصیر در رسیدگی‌های قضایی آینده به‌کار گرفت.

درخصوص تطبیق اصل قبول مسؤلیت و اظهار حقیقت در سازمان تعزیرات حکومتی برای جرایم تعزیری چه از جنبه عمومی و چه از جنبه خصوصی جرم برای مجازات نمودن و جبران خسارت بزه‌دیده، لازمه آن اصل قبول مسؤلیت و اظهار حقیقت است که کمک شایانی به فرایند عدالت ترمیمی می‌نماید. هرچند اگر بزهرکار مسؤلیت را قبول نکند قاضی می‌تواند از ابزارهای ادله اثباتی جرم مثل اسناد، مدارک،

۲-۴- اصل ترمیمی بودن

یکی از اصول اساسی حاکم بر اجرای عدالت ترمیمی، اصل ترمیمی بودن این فرایند است. این اصل اقدامی است جهت تلاش برای جبران صدمه و زیان وارد شده بر بزه‌دیده و ترمیم شکاف‌های ایجاد شده در اثر جرم. این اقدام ممکن است به شکل‌های مختلف مانند پرداخت پول به بزه‌دیده یا در صورت تمایل بزه‌دیده پرداخت آن به یک سازمان خیریه باشد. ترمیم یا جبران خسارت از سوی بزه‌کار ممکن است متضمن انجام کار برای بزه‌دیده یا در صورت تمایل بزه‌دیده، انجام خدمات اجتماعی باشد. از این دیدگاه عدالت ترمیمی، ظهور در جبران خسارت بزه‌دیده و به اصطلاح ترمیم ضرر و زیان او دارد. این رویکرد، از توجه به ماهیت برنامه‌های ترمیمی و به‌ویژه فرایند تحقق نتایج ترمیمی منصرف بوده و اصل را بر نتیجه محتمل برنامه‌های ترمیمی که همان جبران خسارت بزه‌دیده است، قرار می‌دهد. با عنایت به این که اصولاً عدالت ترمیمی فرایندمحور بوده و در مقابل عدالت نتیجه‌محور می‌باشد، می‌توان گفت که در نتیجه مذاکرات بین بزه‌دیده و بزه‌کار، آن‌ها اقدام به اتخاذ تصمیم و حصول به توافق نموده، مراتب را به مراجع ذیربط جهت اجرا اعلام می‌نمایند. توافقی‌های میان طرفین علاوه بر آنکه ممکن است شامل الزام به جبران خسارت شود، حسب مورد شامل تقاضای عفو و بخشش، اعلام ندامت و پشیمانی، انجام برخی رسوم و تشریفات نیز خواهد بود. در فرایند ترمیمی، آثار زیانبار جرم مورد بررسی و تبادل نظر قرار می‌گیرد به‌نحوی که علاوه بر توجه به ابعاد مادی و خسارت‌زای آن، ابعاد و نتایج روانی و معنوی جرم نیز مورد توجه واقع می‌شود.

در بحث ترمیم و جبران خسارت وارده در فرایند دادرسی رسمی نیز سازمان تعزیرات حکومتی در فصل‌های مختلف قانون به این موضوع پرداخته است. همان‌گونه که در مواد ۲، ۱۸ و ۱۹ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان و مواد ۳، ۴ و ۸ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان خودرو مشاهده می‌گردد، تأکید اصلی قانون‌گذار بر جبران خسارت مصرف‌کننده و عدم انجام به موقع تعهد توسط عرضه‌کننده مبتنی بود که از مصادیق بارز عدالت ترمیمی می‌باشد. عدالت

حیثیت خود را که به دلیل ارتکاب جرم از سوی وی خدشه‌دار شده است را تا حدودی از طریق ترمیم خسارات وارده به بزه‌دیده باز گرداند. همچنین بزه‌کار از طریق پذیرش تقصیر خود می‌تواند به روش بهتری جهت بازسازی اجتماعی آماده شود (ابطحی، ۱۳۸۹: ۸۵). فراهم شدن بستر گفتگو و مذاکره بین بزه‌دیده و بزه‌کار، نیازها و توانایی‌های طرفین درگیر در جرم را تعدیل می‌کند و موجبات تأمین نیازهای بزه‌دیده و بزه‌کار را در سطح بالاتری در مقایسه با فرآیندهای دادگاه باعث می‌شود (وضعی، ۱۳۹۴: ۵۲).

اصل تناظر به‌عنوان یکی از اصول راهبردی دادرسی عادلانه تضمین‌کننده اصل رودرویی (مواجه بزه‌دیده و بزه‌کار) است که به‌عنوان یکی از شیوه‌های دفاع عادلانه در اسناد مختلف بین‌المللی مورد تأکید قرار گرفته است. رعایت این اصل باید در تمام مراجع رسیدگی (اعم از قضایی و شبه قضایی) مورد توجه قانون‌گذار قرار گیرد و رعایت آن در تمام مراحل رسیدگی تضمین شود. بر این اساس، سازمان تعزیرات حکومتی نیز به‌عنوان یکی از مراجع اختصاصی اداری در رسیدگی به تخلفات اقتصادی باید اصل تناظر را که به معنی فراهم آوردن موقعیتی است که هر یک از اصحاب دعوا، علاوه بر اینکه فرصت و امکان مورد مناقشه قرار دادن ادعاهای ادله و استدلال‌ات رقیب را داشته باشند، باید فرصت و امکان طرح ادعاهای ادله و استدلال‌ات خود را نیز دارا باشند.

ماده ۷۲ آئین‌نامه سازمان تعزیرات حکومتی به متهم این حق را داده تا بتواند در جلسه رسیدگی حضور یافته و به دفاع از خود بپردازد و در صورت عدم حضور در جلسه رسیدگی، می‌تواند لایحه دفاعیه خود را به شعبه رسیدگی‌کننده ارسال دارد. از طرف دیگر همانطور که بعداً خواهیم گفت طرفین دعوا از این حق نیز برخوردارند که وکیل داشته باشند. بنابراین ملاحظه می‌کنیم که آئین‌نامه سازمان رعایت این اصل را در رسیدگی‌های خود مورد توجه قرار داده و فرصتی را برای اصحاب دعوا بوجود آورده تا بتوانند به دفاع از خود بپردازند و ادله و استدلال‌ات خود را در شعب رسیدگی‌کننده مطرح نمایند.

مقابل یک یا چند نفر دیگر تعهد بر امری نمایند و مورد قبول آن‌ها باشند». براساس این تعریف کلیه قراردادهای دارای دو شرط اساسی‌اند؛ نخست این‌که در اثر توافق دو یا چند اراده به وجود می‌آیند و دوم این‌که هر توافق تعهدی را در پی دارد. پس قرارداد، توافق دو انشاء متقابل به‌منظور ایجاد اثر حقوقی است (میر محرابی، ۱۴۰۰: ۸۴).

توافق در پرتو راهبرد یادشده از معنای اصطلاحی - حقوقی آن چندان دور نیست. براین اساس توافق در قلمرو فرایند ترمیمی در زمینه تعیین سرنوشت دعوای کیفری بین بزه‌دیده و بزه‌کار متبلور می‌شود. به‌عنوان مثال، براساس ماده ۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، مقام قضایی پس از واگذاری تعیین سرنوشت دعوای کیفری به میانجی‌گری نسبت به آنچه که میان طرفین توافق شده پایبند می‌باشد. «...اگر شاکی گذشت کند و موضوع از جرایم قابل گذشت باشد، تعقیب موقوف می‌شود. در سایر موارد، اگر شاکی گذشت کند یا خسارت او جبران شود و یا راجع به پرداخت آن توافق حاصل شود و متهم فاقد سابقه محکومیت مؤثر کیفری باشند، دادستان می‌تواند پس از اخذ موافقت متهم، تعقیب وی را از شش ماه تا دو سال معلق کند...». (حاجی خسروی، ۱۳۹۲: ۳۵)

در تعزیرات که قاضی اختیار زیادی در تعیین حدود جرایم دارد می‌تواند صدور حکم را به عدالت ترمیمی سوق دهد و تصمیماتی متناسب با مقتضیات روز در نظر بگیرد. در قانون کیفری ما با ظهور تغییراتی از جمله لایحه مجازات‌های اجتماعی به سمت عدالت ترمیمی در حال حرکت می‌باشد. ماده ۳۱ این لایحه از عدالت ترمیمی الهام گرفته که خدمات عمومی را یکی از ضمانت‌های اجرایی عدالت ترمیمی می‌باشد و ماده ۱۱ خدماتی به بزه‌دیده در جهت کاهش یا رفع اثر مخرب و زیان‌آور جرم به شکل مادی و معنوی فراهم شود.

با تصویب آیین‌نامه جدید سران سه قوه در اردیبهشت ماه سال ۱۴۰۱ در باب تشدید مجازات‌های قانونی مواردی همچون جزای نقدی با حداقل پنج برابر مجازات قبلی رقمی در حدود ده برابر گردیده است و نیز ابزار پلمپ و تعطیلی

ترمیمی نیز نوعی از عدالت، راجع به امور کیفری، مبنی بر جبران است (حقیقی، ۱۳۹۵: ۲۵)؛ به این معنا که در اجرای آن باید تلاش شود که آثار وخامت بار جرم و ضرر و زیان‌های ناشی از آن، خواه به صورت کامل یا به گونه‌ای نمادین ترمیم شود (میرطاهری، ۱۳۹۲: ۲۱). همانگونه که در مواد ۵۷ و ۵۸ و ۵۹ قانون نظام صنفی و همچنین مواد ۲ و ۳ قانون تعزیرات حکومتی ملاحظه می‌گردد تأکید قانون‌گذار بر جبران خسارت زیان‌دیده بوده که خود از مصادیق عدالت ترمیمی است. در چنین فرضی، اجرای عدالت ترمیمی منوط به مشارکت جامعه یا دولت صرف‌نظر از تعقیب، دستگیری و محاکمه بزه‌کار، در جبران خسارت بزه‌دیده است و دولت نباید از مسؤولیت تأمین و جبران زیان‌های بزه‌دیده شانه خالی کند (حسینی نژاد روشن، ۱۳۹۳: ۵۱) که مصادیق آن در مواد ۵۷ و ۵۸ و ۵۹ قانون نظام صنفی و همچنین مواد ۲ و ۳ قانون تعزیرات حکومتی مشاهده گردید. همچنین هدف اصلی قانون‌گذار از تدوین مواد قانونی ۶۰ و ۶۱ قانون نظام صنفی و همچنین مواد قانونی ۴ و ۵ قانون تعزیرات حکومتی تشریح جرم احتکار و عرضه خارج از شبکه و موظف نمودن بزه‌کار به جبران خسارت در قبال بزه‌دیده می‌باشد. که این خود از مصادیق بارز عدالت ترمیمی در قوانین مطرح شده می‌باشد. یکی از اهداف عالی عدالت ترمیمی در مورد بزه دیدگان جبران خسارت آنها است.

در مواد قانونی ۱۸ الی ۲۴ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، مبحث اصلی قانون‌گذار توجه به جبران خسارت بزه‌دیده بوده و می‌توان آن را از مصادیق عدالت ترمیمی بر شمرد اما نکته قابل توجه در مواد قانونی ذکر شده محدود بودن جبران خسارت به جریمه نقدی می‌باشد و قانون‌گذار اشاره‌ای به سایر ابعاد جبران خسارت همچنان که در مباحث عدالت ترمیمی مشاهده می‌شود ننموده است.

۲-۵- اصل اعتبار توافقات

اصل اعتبار توافقات در راستای اصل توافقی بودن فرایند ترمیمی نمود پیدا می‌کند. توافق در مقررات تقنینی ایران تعریف نشده است. اما اثر آن یعنی عقد مطابق ماده ۱۸۳ قانون مدنی ۱۳۰۷ «عبارت است از این که یک یا چند نفر در

و دادخواهی در شعب تعزیرات حکومتی بپردازد ضمن اینکه مصرف‌کنندگان می‌توانند بدون مراجعه به شعب تعزیرات حکومتی و از طریق نامه و تلفن و بدون پرداخت هزینه برای احقاق حقوق خود در شعب سازمان طرح شکایت نمایند. بنابراین باید بگوییم که رعایت این اصل در شعب تعزیرات حکومتی مورد توجه قرار گرفته و به طور کامل اجرا می‌شود. در رابطه با رعایت استقلال و بی‌طرفی در شعب تعزیرات حکومتی باید گفت که این اصول به صورت ناقص در شعب سازمان رعایت می‌شود. چون هرچند که آئین‌نامه سازمان به مسأله استقلال و مصونیت قضایی اعضای شعب در ارتباط با آرای صادره اشاره کرده اما رؤسا و اعضای شعب بدوی و تجدیدنظر به پیشنهاد مدیر کل استان و ابلاغ رئیس سازمان منصوب می‌شوند که در این صورت مقامات نصب‌کننده یک عضو به راحتی می‌توانند عضو مزبور را برکنار کرده و شخص دیگری را انتخاب کنند. ضمن اینکه از لحاظ مالی نیز بودجه مستقلی در قانون بودجه برای سازمان در نظر گرفته نشده و این سازمان از لحاظ مالی وابسته به قوه مجریه می‌باشد. بنابراین دولت می‌تواند از این طریق مقامات سازمان را تحت فشار قرار داده و عدالت ترمیمی را مورد تردید قرار دهد. بی‌طرفی مرجع رسیدگی‌کننده نیز چندان مورد توجه قرار نگرفته چون امکان رد رؤسای شعب در صورت قرابت نسبی یا سببی با هر یک از طرفین، پیش‌بینی نشده است. بنابراین، این تضمینات در شعب تعزیرات حکومتی به صورت کامل رعایت نمی‌شود.

در رابطه با اصل تساوی سلاح‌ها (برابری طرفین نزد اعضای رسیدگی‌کننده)، باید گفت که این اصل نیز به صورت ناقص اجرا می‌شود. چون هرگاه شکایت بر اساس گزارش مراجع قضایی، دولتی، نظامی، سازمان بازرسی و نظارت بر قیمت و توزیع کالا یا سازمان بازرسی کل کشور باشد، امکانات دفاع برای دو طرف دعوا یکسان نیست. در رابطه با اصل تناظر نیز باید گفت که این حق برای طرفین دعوا در نظر گرفته شده که بتوانند در جلسه رسیدگی حضور یافته و به دفاع از خود بپردازند.

تضمین محکمی برای اجرای توافقات می‌باشد. در خصوص اصل اعتبار توافقات، در سازمان تعزیرات حکومتی نیز هرچند به طور خاص در مواد قانونی به آن اشاره نگردیده است اما زمانی که طرفین در باب جبران خسارت در خصوص آن توافق می‌نمایند (چه پرداخت وجه نقد چه انجام یک عمل)، این موارد اگر اجرا نگردد و طرفین (به‌خصوص بزهکار) به توافقات خود متعهد نباشند، بزه‌دیده می‌تواند با مراجعه به واحد اجرای احکام نسبت به اجرای حکم (پلمپ یا تعطیلی واحد صنفی) اقدام نماید.

نتیجه‌گیری

آنچه که از بررسی اصول عدالت ترمیمی در شعب تعزیرات حکومتی به دست می‌آید بیانگر این است که رعایت این اصول در قانون و آئین‌نامه سازمان اگرچه در تمامی موارد صراحتاً به آن اشاره نگردیده است، اما با توجه به این موضوع که سازمان تعزیرات حکومتی هر چند دارای قوانین خاص بوده ولی اصول کلی حقوق و قواعد آیین دادرسی جمهوری اسلامی ایران در امور آیین دادرسی کیفری و آیین دادرسی مدنی و به ویژه اصول وزین قانون اساسی را سرمشق و الگوی عدالت ترمیمی خود قرار داده است، بنابراین با رعایت آیین دادرسی کیفری و آیین دادرسی مدنی و اصول قانون اساسی در این سازمان در نهایت امر، اصول عدالت ترمیمی اجرا گردیده و می‌توان بیان داشت قواعد و نگرش‌های حاکم بر سازمان تعزیرات حکومتی هم راستا با اصول عدالت ترمیمی بوده ولی در برخی مواردی به دلیل عدم اشاره صریح به موضوع در قوانین این سازمان سبب ایجاد اختلالاتی در آن امر گردیده است.

در رابطه با تضمینات مربوط به مرجع رسیدگی‌کننده (شعب سازمان تعزیرات حکومتی) و میزان رعایت آن‌ها، به حق دادخواهی و استقلال و بی‌طرفی مرجع رسیدگی‌کننده، قانون تعزیرات حکومتی و آئین‌نامه‌های مربوط به آن، به تأمین حق دادخواهی با تشریفات مختصر و بدون هزینه دادرسی برای عموم افراد جامعه توجه داشته و بر اساس ماده ۱۸ آئین‌نامه مذکور در صورتی که به حقوق مصرف‌کننده خللی وارد شود، مصرف‌کننده می‌تواند به‌عنوان شاکی با طرح شکایت به تظلم

که این حق نیز به صورت ناقص در قانون و آئین‌نامه سازمان تعزیرات، اعمال می‌شود چون صدور حکم به جبران خسارت توسط شعب تعزیرات حکومتی، فقط برخی از تخلفات تعزیراتی را در بر می‌گیرد و به سایر تخلفات موضوع قانون تعزیرات حکومتی (احتکار، عرضه خارج از شبکه، نداشتن پروانه کسب و ...) هیچ اشاره‌ای نشده است.

مهم‌ترین ایراد و انتقاد وارده بر دادرسی عادلانه در سازمان تعزیرات حکومتی به ابهام رعایت تضمینات دادرسی عادلانه خاص دعاوی کیفری در صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی برمی‌گردد. قانون و آئین‌نامه سازمان تعزیرات حکومتی به تضمینات خاص دعاوی کیفری هیچ اشاره‌ای نکرده است و اعضای رسیدگی‌کننده در شعب تعزیرات حکومتی در رسیدگی‌های خود به قانون آئین دادرسی کیفری استناد می‌کنند. سکوت قانون و آئین‌نامه سازمان تعزیرات حکومتی در خصوص این تضمینات، رعایت معیارها و تضمینات دادرسی عادلانه در شعب سازمان را در هاله‌ای از ابهام قرار داده و انتقادآمیز کرده است.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله توسط نویسنده نخست انجام گرفته و نظارت بر حسن انجام آن با سایر نویسندگان بوده است.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

یکی دیگر از تضمینات مربوط به حق دفاع، حق انتخاب وکیل است که قانون و آئین‌نامه سازمان در این مورد ساکت است. اما با توجه اصل ۳۵ قانون اساسی و با استفاده از عموماً قانون مدنی در باب وکالت می‌توان گفت این حق از حقوق دفاعی طرفین بدیهی و مسلم فرض می‌شود و رعایت آن در شعب تعزیرات حکومتی کاملاً تضمین شده دانسته می‌شود.

آئین‌نامه سازمان حضور طرف‌های دعوا را در مرحله بدوی پیش‌بینی کرده که بر این اساس رسیدگی و صدور رأی در شعب بدوی پس از استماع دفاعیات متهم صورت می‌گیرد. با این حال آئین‌نامه سازمان به حق حضور طرفین دعوا در مرحله تجدیدنظر اشاره‌ای نکرده است. بنابراین، این اصل نیز به صورت ناقص و نسبی رعایت می‌شود.

یکی دیگر از تضمیناتی که در رابطه با حق دفاع بررسی کردیم، لزوم مستند و مستدل بودن رأی صادره بود که خوشبختانه این اصل در آئین‌نامه سازمان مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته و بر اساس آئین‌نامه سازمان، آراء شعب بدوی و تجدیدنظر باید مستند به مواد قانون و مقررات مربوطه باشد و مواد استنادی ذکر گردد. مشاهده می‌کنیم که رعایت این اصل در شعب تعزیرات حکومتی کاملاً رعایت می‌شود.

در زمینه تضمینات مربوط به فرآیند دادرسی، اصل بر علنی بودن جلسه رسیدگی می‌باشد و جلسات رسیدگی به پرونده‌ها به صورت علنی برگزار می‌گردد. در رابطه با رسیدگی به پرونده‌ها در مهلت معقول باید گفت که عدم تعیین محدوده زمانی مشخص برای رسیدگی به پرونده‌ها، حق رسیدگی در مهلت معقول را در این سازمان با ایراد و انتقاد مواجه کرده است هرچند که واگذاری اجرای قانون تعزیرات حکومتی به دولت و عدم دخالت قوه قضائیه در این امر و پیش‌بینی شعب سیار تعزیرات حکومتی، حاکی از اهتمام قانون‌گذار جهت تسریع در روند رسیدگی به پرونده‌ها بوده است. بنابراین به نظر می‌رسد که این اصل در رسیدگی‌های تعزیراتی به صورت ناقص رعایت می‌شود. آخرین حقی که در رابطه با تضمینات مربوط به فرآیند دادرسی، حق جبران خسارت است

منابع و مأخذ

- ابطحی، سینا (۱۳۸۹). نقش و جایگاه نهادهای مردمی در عدالت ترمیمی. پایان نامه به راهنمایی قدرت اله خسروشاهی، نراق: دانشگاه آزاد اسلامی.
- اصغری، عبد الرضا (۱۳۸۹). اصول حاکم بر دادرسی منصفانه در امور کیفری در فقه و حقوق. پایان نامه ارشد به راهنمایی محمدعلی اردبیلی، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- جزایری، سید عباس (۱۳۹۳). امنیت قضایی در حقوق کیفری ایران و رویه دیوان اروپایی حقوق بشر. پایان نامه ارشد به راهنمایی محمدعلی اردبیلی، تهران: دانشگاه علوم و تحقیقات.
- حاجی خسروی، فرزانه (۱۳۹۲). جایگاه عدالت ترمیمی در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲. پایان نامه ارشد به راهنمایی محمد مهدی ساقیان، تهران: دانشگاه تهران.
- حاجی ده آبادی، احمد (۱۳۸۹). «طبقه بندی مجازات ها در قانون مجازات اسلامی و جایگاه تعزیرات و مجازات های بازدارنده». نشریه حقوق دادگستری، ۶۹(۴): ۱۲۱-۱۳۸.
- حسینی نژاد روشن، پوریا (۱۳۹۳). جایگاه آموزه های عدالت ترمیمی در دادرسی اطفال و نوجوانان بزهکار. پایان نامه ارشد به راهنمایی حسین غلامی، تهران: دانشگاه علوم و تحقیقات.
- حقیقی، لیلا (۱۳۹۵). «عدالت ترمیمی در دستگاه های اجرایی، بررسی اهداف و جایگاه آن». فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی، ۲(۶): ۱۴۱-۱۵۲.
- دهقانی، محمدعلی (۱۴۰۰). «تحلیل و ارزیابی تطبیقی مجازات حبس و قاعده وزر». مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، ۷(۴): ۳۵۰-۳۷۲.
- طوفانی، مجید (۱۳۸۸). نهادهای عدالت ترمیمی در حقوق کیفری شکلی ایران و اسلام. پایان نامه ارشد به راهنمایی قدرت اله خسروشاهی، نراق: دانشگاه آزاد اسلامی.
- عسگری عیسی آبادی، یونس و یوسف زاده، علی (۱۳۹۴). رسیدگی در تعزیرات حکومتی و تفاوت آن با رسیدگی در محاکم دادگستری. تهران: نخستین کنگره بین المللی جامع حقوق.
- محمدیاری، پگاه (۱۳۹۷). «بررسی تأثیر یافته های جرم شناسی صلح جو بر سیاست جنایی ایران». نشریه علم و وکالت، ۱(۱): ۲۰۷-۲۳۲.
- میر محرابی، رضا (۱۴۰۰). مطالعه تطبیقی عدالت کیفری توافقی در فقه و حقوق. پایان نامه ارشد به راهنمایی مهدی ساقیان، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- میرطاهری، محمدعلی (۱۳۹۵). جایگاه مقتضی بودن تعقیب در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و مبانی آن. پایان نامه ارشد به راهنمایی محمد یکرنگی، تهران: دانشگاه تهران.
- وضعی، سرور السادات (۱۳۹۴). نقش و جایگاه متهم در تعیین تدابیر قابل اعمال در آیین دادرسی کیفری. پایان نامه ارشد، تهران: دانشگاه تهران.